



- 1 در سالی که تَرْتان به اَشْدُود آمد هنگامی که سرجون پادشاه آشور او را فرستاد، پس با اَشْدُود جنگ کرده، آن را گرفت.
- 2 در آن وقت خداوند به واسطه اشعیا ابن آموص تکلم نموده، گفت: «برو و پلاس را از کمر خود بگشا و نعلین را از پای خود بیرون کن.» و او چنین کرده، عریان و پا برهنه راه می‌رفت.
- 3 و خداوند گفت: «چنانکه بنده من اشعیا سه سال عریان و پا برهنه راه رفته است تا آیتی و علامتی دربار مصر و کوش باشد،
- 4 بهمان طور پادشاه آشور اسیران مصر و جلاء وطنان کوش را از جوانان و پیران عریان و پا برهنه و مکشوف سرین خواهد برد تا رسوایی مصر باشد.
- 5 و ایشان به سبب کوش که ملجای ایشان است و مصر که فخر ایشان باشد مضطرب و خجل خواهند شد.
- 6 و ساکنان این ساحل در آن روز خواهند گفت: اینک ملجای ما که برای اعانت به آن فرار کردیم تا از دست پادشاه آشور نجات یابیم چنین شده است، پس ما چگونه نجات خواهیم یافت؟»